

یادداشت

کدام کوروش

ادامه این شعر پیوند شهرها، فرهنگ و آداب کهن ایران با فرارودان را به‌خوبی تصویر می‌کند: «لاچورد افق صبح نشاپور و هری است/ که در این کاشی کوچک متراکم شده است/ می‌برد جانب فرغانه و فرخار .../ مرا / شعله آتش گروکی و سرود زرتشت /.../ سیزی سرو قدافراشته کاشمر است...» در اجلاس پیش‌گفته یونسکو در سمرقند، منشور کوروش با پیشنهاد تاجیکستان برای ثبت در میراث جهانی یونسکو پیشنهاد شد که با پیوستن ایران به آن پیشنهاد، با عنوان سند بنیادی حقوق بشر به تصویب رسید. خوب است بدانیم که دولت تاجیکستان پیش‌تر سال پیش‌روی میلادی، ۲۰۲۶ را به مناسبت دوهزارو ۵۵۰سالگی استوانه کوروش، در کشور خود سال منشور کوروش اعلام کرده است و با چنین پیشنهادی این ایده ارزشمند را در آن مجمع ارائه و برای تصویب آن کوشیده است. چون در ایران، در انبوه تیریکات به این و آن، چندان نامی از ابتکار و پیشنهاد ارزشمند کشور تاجیکستان ندیدم، شخصا با سفیر دانشمند این کشور، نظام‌الدین زاهدین، تماس گرفتم و از چندوچون ماجرا پرسیدم و در مقام یک ایرانی، از آنها برای این اقدام ارزشمند سپاسگزار می‌کرم. با همه اینها، هنوز جای این سؤال باقی است که چرا در این سند نامی از کشورهای حوزه ریزوز (تاکگون ۱۲ کشور) یا کشورهای دیگر در حوزه خلیج فارس، دریای مدیترانه، دریای سرخ و دریای عمان (همچون اردن، عمان، سوریه، لبنان و مصر که روزگاری در درون مرزهای گسترده شاهنشاهی هخامنشی جای داشتند) نیامده است؟ با توجه به آنکه شمار بیشتر ناها، اعتبار و احترام و شکوه افزون‌تری به این سند می‌بخشد و زمان نیز برای پیوستن این کشورها همچنان باقی است، اکنون فرصت جبران مافات برای مسئولان ایرانی است که در همراه‌کردن کشورها برای پیوستن به این سند فراهم است. شایسته است این رازبانی‌ها با عراق آغاز شود؛ جایی که استوانه از دل آنجا و از شهر باستانی بابل کشف شده است.

چندی پیش رئیس‌جمهور تاجیکستان میلیون‌ها نسخه از شاهنامه جناب فردوسی به خط سیریلیک را به شهروندان آن دیار هدیه داد. اگر در نظر بگیریم که هر دو کشور ازبکستان و تاجیکستان در عرصه اقتصاد جهانی وضعی رو به پیشرفت دارند، ارزش پرداختن آن دولت‌ها به این‌گونه اقدامات دوچندان می‌شود... به عبارت دیگر، آنها به پشتوانه فرهنگ و تمدن ایرانی، به پیشبرد انسجام داخلی و جاذبه و اعتبار خارجی خود می‌افزایند. به بیانی دیگر، ایشان به عنوان بخشی از اقوام ایرانی پیشینه عظیم فرهنگ و تمدن ایرانی را زمینه‌ساز شنیدشدن صدای خود در مجامع بین‌المللی و حضور گسترده در جهان کرده‌اند؛ امری که افزون بر هویت‌بخشی، به گردش گسترده مالی آنها -دست‌کم در اقتصاد گردشگری- و ساخت‌وسازهای میراثی و مدنی کمکی فراوان می‌کند.

ظاهرا برنامه‌ای ناتمامته در دست است که هر چند نمی‌توان ایران اندیشه و ایران فرهنگی را در جهان امروز نادیده گرفت، می‌توان از محوری جز ایران سیاسی به آن رو کرد. در واقع جلودار این فرهنگ کشورهایی شده‌اند که در میراث مادی، معنوی و تمدنی با ما اشتراک دارند و در نگه‌داشت میراث تاریخی و فرهنگی خود می‌کوشند و پسندیده رفتار می‌کنند. در سوی دیگر، متأسفانه رفتار و گفتار برخی از مدیران کشور ما خلاف این سنی است و کوینی از میراث کهن ایران هراس دارند؛ از این‌رو است که ایران در ثبت بسیاری از موارث جهانی فرهنگ و تاریخ خود تعلل کرده و در واقع نقش او در این گستره سترگ تاریخی به حاشیه رانده شده است. این غفلت از نقش افرینی حاصل سال‌های طولانی بی‌توجهی به میراث مردمانی است که در همه این دوره‌ها هیچ‌گاه مشرک و بت‌پرست نبوده‌اند، به خصلت‌های پهلوانی شهره هستند و کشورشان کانون فرهنگ و تمدن ریشه‌داری است که سپس‌تر با اسلام راه شکوفایی و پویایی را ادامه داد و از گذشته تاکنون به سیدات ماندگار یونانی، رومی، تازی، تاتار، مغول و بالاخره شرق و غرب جاسد تن ندادند. نبود نقش افرینی مؤثر، همان‌گونه که گفته شد، حاصل سال‌های طولانی غفلت است. به عنوان نمونه‌ای، این روزها شاهد اجلاس‌های ایران‌شناسی در تهران و شیراز با حضور خبرنگاران پرشمار هستیم، اما نه میهمانان و نه سخنرانان، عموماً چندان در این‌باره افاضه نمی‌کنند. بنا بر آمار، اگرچه بیش از ۲۰ کشور در این نشست‌ها حضور دارند، جای محققان و پژوهشگران آمریکایی، اروپایی و ژاپنی -که روزگاری اکنان‌های وزین ایران‌شناسی در کشورهاییشان دایر بود- خالی است. این در حالی است که در زمان ریاست‌جمهوری آقای هاشمی‌رفسنجانی و معاون‌اولی آقای حسن حبیبی، با دستور صریح رئیس‌جمهور وقت، بیش از ۵۰ شخصیت شاخص از ۴۰ کشور در نخسین اجلاس ایران‌شناسی در تهران حضور یافتند؛ هرچند این کوشش و جوشش با سیاست‌های نادرست و گاه غفلت و بی‌توجهی کم‌فروغ شد؛ تا جایی که ایران تاکنون هیچ اجلاس بین‌المللی دیگری با همین محتوا، در این زمینه ترتیب نداده است. در اعتبار نشست کنونی همین نکته کافی است که بزرگان فرهنگ تاریخ ایران در آن حضوری چشمگیر نداشتند. به عنوان نمونه، مقایسه کنید با مراسم غیردولتی افتتاح کتابخانه پزشک برجسته و دانشی‌مرد ایران‌دوست دکتر سیدحسین میرمجلسی در شهر رشت که علاوه بر پزشکان نامدار و مردم علاقمند آن خطه، چهره‌های علمی شاخصی همچون علی‌اشرف صادقی، علی‌اصغر دادبچه، محمدرضا شفیعی‌دکنکی، نصرالله پورجوادی و حسین معصومی‌همدانی با وسیله و هزینه شخصی حضور یافتند. مقصود آن است که اگر کوتاهی در کار است، از جانب بزرگان عاشق ایران و عالم به فرازوفروغ‌های فرهنگ ایران نیست؛ شاید نبود ایشان پیامی داشته باشد و نگران هستند که تاریخ این سرزمین فقط با یک روایت دیده و خوانده شود.

با همه اینها، امیدواریم تمامی اتفاقات پیش‌گفته در کنار ماجراهای توجه به ایران در ماه‌های گذشته، فارغ از انتقادهای بجا، طلیعه درخشش دوباره کانون‌های ایران‌شناسی، توسعه سیاست خارجی متناسب با جایگاه تاریخی و فرهنگی ایران، انسجام ملی، عزت بین‌المللی و درخشش ایران در همه جنبه‌ها باشد.

معجزه ۳۸ درصدی، واقعیت ۴۵درصدی

قانون برنامه پنج‌ساله پیشرفت مورخ ۱۴۰۳/۰۴/۱۴ در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران چاپ و حسب قانون مدنی از تاریخ ۱۴۰۳/۰۴/۲۹ لازم‌الاجرا محسوب می‌شود؛ یعنی تا این تاریخ حدود ۱۶ ماه از لازم‌الاجرا بودن می‌گذرد و هنوز اساسنامه تصویب نشده است. هرچند ریاست‌جمهور محترم، شخصی را به عنوان معاون رئیس‌جمهور را قبول و رئیس این سازمان منصوب کرده‌اند، شخصی که ظاهراً رئیس‌جمهور را قبول ندارد و هم‌فکرانش درصدد برکناری رئیس‌جمهور هستند و نیز به‌جز افزایش قیمت‌های نهاده‌های انرژی به هیچ روش دیگر غیرقیمتی که البته وظیفه اصلی و قانونی این سازمان است، اعتقاد ندارد و می‌گوید باید قیمت بنزین اضافه شود تا قاچاق نشود. قیمت یک لیتر بنزین حدودا در ترکیه ۱۲٫۰۰، پاکستان ۸۰٫۰۰ در عراق ۵۰٫۰۰ و در دویی ۹۰ هزار تومان است؛ یعنی می‌خواهند قیمت بنزین را از هزارو ۵۰۰ تومان به پهنه‌سازی مصرف انرژی نداشته باشد. مورد انتخاب از بین برود و قاچاق رخ ندهد. آیا فکر نمی‌کنید که این یک راه خالی‌کردن زیر پای رئیس‌جمهور است و تازه رئیس‌جمهور می‌گوید تحلیل‌ها و تسلط تیم و شخص ایشان جامع‌تر، دقیق‌تر و کارآمدتر از بقیه بود. بدا به حال ملتی که خیل کارشناسان وزارت نیرو و وزارت نفت و آنها که در مسائل انرژی استخوان خرد کرده‌اند، قابل دیدن نباشند و فردی که کمترین اطلاع و سابقه در کار انرژی دارد و اعتقادی به پهنه‌سازی مصرف انرژی نداشته باشد، مورد انتخاب و تقدیر قرار گیرد. البته بیجا نیست که وقتی فردی با کمترین سابقه اجرائی، دولت در سایه تشکیل می‌دهد، یکی از پیروانش مسئول بهینه‌سازی انرژی در ایران شود. بگذریم، وقتی اینها را می‌شنویم و می‌شنویم که برنامه سالانه ۳۸ درصد پیشرفت داشته است، حتما ما اشتباه می‌کنیم و ثابت شده که نفهم هستیم. اگر فهم داشتیم، می‌فهمیدیم که همه چیز گل و بلبل است.

ادامه از صفحه اول

شرق: زمانی که غرش موتورهای جنگنده‌های اف-۳۵ آسمان واشنگتن را می‌شکافت و گارد تشریفاتی کاخ سفید با شکوهی کم‌نظیر و یادآور استقبال از پادشاهان قرن نوزدهم، برای محمد بن سلمان رژه می‌فقتند، صدای واقعی این دیدار در سکوت معنادار و لیکنده‌های مرموز دو رهبر درباره «نقشه جدید خاورمیانه» شنیده می‌شد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده، پس از هفت سال سردی روابط که سایه سنگین قتل جمال خاشقجی بر آن افتاده بود، ولیعهد سعودی را با آغوش باز پذیرفت. دیداری که در ظاهر بوی دلارهای نفتی و باروت تسلیحات می‌داد، اما در لایه‌های عمیق‌تر و استراتژیک خود، حامل دکترین جدیدی برای مهار ایران و بازتعریف نقش آمریکا در منطقه بود.

بازگشت «پسر مطرود» به کانون قدرت

برای محمد بن‌سلمان قدم‌گذاشتن بر فرش قرمز کاخ سفید چیزی فراتر از یک سفر دیپلماتیک بود؛ این یک «پیروزی برای بقاء» محسوب می‌شد. هفت سال پیش، پس از قتل فجیع جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار، در کنسولگری عربستان در استانبول، او به چهره‌ای «مطرود» در غرب تبدیل شده بود و حتی جو یابدن دموکرات نیز وعده داده بود عربستان را به حاشیه براند. وعده بایدن در حد شعار باقی ماند و استقبال پرزرق‌وبرق ترامپ، شامل رژه سواره‌نظام و پرواز نمایشی جنگنده‌ها، پیامی واضح به جهان مخابره کرد: در منطق «اول آمریکا» (America First)، منافع اقتصادی و ژئوپلیتیکی بر ارزش‌های حقوق‌بشری ارجحیت مطلق دارند. ترامپ در اقدامی که نشان‌دهنده پایان رسمی انزوای سیاسی بن‌سلمان بود، گزارش‌های نهادهای اطلاعاتی آمریکا که بن‌سلمان را آمر قتل خاشقجی می‌دانستند، با بی‌اعتنایی محض رد کرد. او با بیان اینکه «بن‌سلمان چیزی در این‌باره نمی‌داندست و ما می‌توانیم قضیه را همین‌جا تمام کنیم»، عملا یک عفو عمومی سیاسی به ولیعهد اعطا کرد. این تطهیر سیاسی، پیش‌شرط ورود به فاز جدیدی از روابط بود که در آن ریاض، نه به عنوان یک «شریک دردسرساز»، بلکه به عنوان «متحد اصلی غیرناتو» شناخته می‌شود.

سناریوی جدید برای ایران

شاید پیچیده‌ترین و حساس‌ترین بخش این دیدار که در لایه‌لای اخبار قراردادهای تسلیحاتی پنهان ماند، تغییر ریل‌گذاری مشترک واشنگتن و ریاض در قبال جمهوری اسلامی ایران است. برخی تحلیلگران برجسته معتقدند اتاق فکر مشترک ترامپ و بن‌سلمان به این نتیجه رسیده است که دوران تقابل مستقیم نظامی با صرفا تحریم‌های اقتصادی کور به پایان رسیده و باید مدلی پیچیده‌تر را جایگزین کرد. در کنفرانس خبری مشترک، ادبیات به‌کاررفته درباره ایران، چرخشی تاکتیکی و فریبنده را به نمایش گذاشت. ترامپ با اعتمادبه‌نفسی که یادآور تاجران املاک نیویورک است، مدعی شد: «مذاکرات با ایران آغاز شده. ایران به‌شدت خواهان توافق است... من کاملا پذیرای این موضوع هستم». بن‌سلمان نیز بلافاصله با ایفای نقش مکمل، از آمادگی ریاض برای کمک به حصول این توافق سخن گفت. اما در واری این تعارفات دیپلماتیک، طرحی که می‌توان آن را «استراتژی شوری‌سازی ایران» نامید، در حال تدوین است. برخلاف سال‌ ۲۰۱۸ که استراتژی «فشار حداکثری» با هدف فروپاشی اقتصادی سریع دنبال می‌شد، الگوی فعلی ترامپ شباهت عینی به سیاست‌های رونالد ریگان در قبال اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۸۰ میلادی دارد. در این الگو، هدف نه لزوما جنگ گرم است و نه احتمالا تغییر رژیم از طریق کودتا، بلکه هدف، کشاندن حریف به پای میز مذاکره‌ای است که خروجی آن، «استحاله از درون» خواهد بود. تحلیلگران استراتژیک بر این باورند که ترامپ می‌خواهد با ترکیب «فشار اقتصادی بره‌شمند» و «درهای باز دیپلماتیک»، ایران را وارد فرایندی فرسایشی کند. در این سناریو، توافق احتمالی آینده به‌گونه‌ای طراحی می‌شود که ایران برای بهره‌مندی از منافع اقتصادی، ناچار به پذیرش استانداردهایی شود که با ماهیت ایدئولوژیک و ساختار انقلابی آن در تضاد است. بازشدن فضای تعامل با غرب تحت نظارت شدید، دقیقا همان پاشنه آشیلی است که به باور تیم ترامپ، می‌تواند آنچه را «تضادهای داخلی ایران» خوانده شده، فعال کرده و پروژه «فروپاشی نرم» را کلید بزند.

قمار بزرگ در کاخ سفید؛ معماری نظم نوین خاورمیانه بر روی گسل‌های لرزان

ایران؛ محور ناگفته اتاق بیضی



تضاد منافع پنهان در اتحاد ظاهری

باین‌حال، این استراتژی مشترک خالی از شکاف نیست. عربستان سعودی به عنوان ذی‌نفع اصلی وضعیت فعلی، نگاهی متفاوت به «زمان» دارد. برای ریاض که امنیت ابرپروژه‌های تریلیون دلاری خود (نظیر نثوم) را در خطر می‌بیند، اولویت اصلی «تضمین عدم بازگشت ایران به قدرت منطقه‌ای» است. بن‌سلمان ترجیح می‌دهد ایران در یک وضعیت تعلیق دائمی باقی بماند؛ نه آن‌قدر قدرتمند که دوباره به قدرت اول نظامی و اقتصادی منطقه تبدیل شود. در مقابل، آمریکا به عنوان «هژمون بازی‌ساز»، نگاهی کلان‌تر دارد و ممکن است در میانه راه، برای مهار چین یا روسیه، حاضر به امتیازدهی‌های تاکتیکی به تهران شود که لزوما خوشایند ریاض نباشد. بن‌سلمان با آگاهی از این شکاف، می‌کوشد با بستن قراردادهای سنگین دفاعی، ترامپ را مجاب کند که هرگونه توافق آتی با ایران، ناچار از فیلتر منافع امنیتی ریاض عبور کند.

دیپلماسی معاملاتی: اف-۳۵ در برابر دلار

دونالد ترامپ بار دیگر ثابت کرد سیاست خارجی برای او، امتداد معاملات تجاری است. او در این دیدار عملا اهرم‌های فشار استراتژیک و فناوری‌های حساس نظامی آمریکا را به حراج گذاشت. موافقت با فروش جنگنده‌های رادارگریز اف-۳۵ و ارتقای جایگاه عربستان، امتیازی بود که حتی دولت بایدن نیز به احتیاط فراوان به آن نزدیک می‌شد. فردریک وهری، تحلیلگر ارشد بنیاد کارنگی، این معامله را «نامتوازن» توصیف می‌کند و معتقد است آمریکا کارت‌های برنده خود را اززان فروخته است. در ازای دسترسی ریاض به پیشرفته‌ترین تکنولوژی نظامی قرن، ترامپ تنها «وعده» سرمایه‌گذاری دریافت کرد؛ وعده‌ای که رقم آن به‌طور شفاهی از ۶۰۰ میلیارد دلار به یک تریلیون دلار افزایش یافته است. اما اینن معامله یک لایه پنهان دیگر نیز دارد؛ جنگ تراشه‌ها و هوش مصنوعی. یکی از بندهای کلیدی توافق، همکاری شرکت انویدیا (NVIDIA) با صندوق ثروت ملی عربستان برای ساخت «کارخانه‌های هوش مصنوعی» است. موافقت کاخ سفید با صدور مجوز برای تراشه‌های پیشرفته به عربستان، در حالی صورت می‌گیرد که نگرانی‌های عمیقی در پنتاگون نسبت به روابط رو به رشد ریاض و یکس وجود دارد. مقامات امنیتی آمریکا بیم آن دارند که این فناوری‌های حساس از طریق درز اطلاعاتی با جاسوسی صنعتی، سر از چین درآورد. بن‌سلمان با زنگی تمام، از کارت چین به عنوان اهرمی برای دوشیدن تکنولوژیک آمریکا استفاده کرد و ترامپ، مسحور اعداد و ارقام سرمایه‌گذاری، ریسک بلندمدت انتقال تکنولوژی را پذیرفت.

بن‌بست فلسطین و چالش پیمان ابراهیم

یکی از محورهای اصلی مذاکرات که ترامپ حساب ویژه‌ای روی آن باز کرده بود، پیوستن عربستان به «پیمان ابراهیم»، عادی‌سازی روابط با اسرائیل بود. باین‌حال، واقعیت‌های میدانی خاورمیانه پس از جنگ ویرانگر غزه، محاسبات کاخ سفید را برهم زد. محمد بن‌سلمان در دفتر بیضی، با صراحتی که شاید برای ترامپ ناخوشایند بود، تاکید کرد که اگرچه ریاض خواهان پیوستن به این پیمان است، اما این امر بدون «یک مسیر روشن

و مطمئن به سوی تشکیل دولت فلسطین» غیرممکن است. او گفت: «ما خواهان صلح برای اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها هستیم و می‌خواهیم آنها در منطقه همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند». این موضع‌گیری نشان می‌دهد حتی با وجود وعده‌های ترامپ مبنی بر اینکه عربستان هزینه بازسازی غزه را تأمین خواهد کرد، ریاض نمی‌تواند افکار عمومی جهان عرب و جایگاه خود به عنوان رهبر جهان اسلام را نادیده بگیرد. تضاد اصلی اینجا‌ست که دولت راست‌گرای اسرائیل به رهبری نتانیاهو، اساسا با ایده «دوکشوری» مخالف است و ترامپ نیز در کنفرانس خبری مجبور شد با احتیاط از بیان واژه «تعهد» هرپز کرده و فقط به «مذاکرات خوب» اشاره کند. علاوه بر این، فروش اف-۳۵ به عربستان، اصل بنیادین سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا، یعنی حفظ برتری کیفی نظامی اسرائیل را به چالش کشیده است. ترامپ تلاش کرد با بیانی کاسبیکارانه این نگرانی را رفع کند و خطاب به بن‌سلمان گفت: «می‌دانم آنها می‌خواهند شما هوایماهای ضعیف‌تری بگیرید... اما هر دو شما باید بهترین‌ها را داشته باشید». این رویکرد نشان می‌دهد که ترامپ قصد دارد با مسلح‌کردن دو طرف به سلاح‌های آمریکایی، موازنه‌ای از وحشت و وابستگی ایجاد کند.

فرجام: قصری روی ماسه؟

در نهایت، آنچه در دیدار بن‌سلمان و ترامپ در کاخ سفید رخ داد، بیش از آنکه یک اتحاد استراتژیک پایدار باشد، یک معامله تجاری پریسک با ظاهری سیاسی بود. ترامپ توانست با ارقام درشت سرمایه‌گذاری تیرهای خبری را تسخیر کند و بن‌سلمان توانست مشروعیت ازدست‌رفته خود را بازیابد. اما ستون‌های این توافق روی زمین لرزانی بنا شده است. تحقق طرح ترامپ برای ایران نیازمند اجماعی جهانی است که در حال حاضر چندان وجود ندارد، عادی‌سازی با اسرائیل در گرو حل مسئله‌ای است (فلسطین) که لاینحل‌تر از همیشه به نظر می‌رسد و تحویل جنگنده‌های اف-۳۵ فرایندی است که سال‌ها به طول می‌انجامد و ممکن است با موانع نکره‌ای تغییرات سیاسی آینده متوقف شود. این «معامله قرن» جدید، شاید در کوتاهمدت برای هر دو رهبر پیروزی محسوب شود، اما در بلندمدت، منطقه را وارد رقابت تسلیحاتی جدید و پیچیدگی‌های امنیتی غیرقابل پیش‌بینی خواهد کرد. عربستان مجهز به اف-۳۵ و هوش مصنوعی، ایرانی که تحت فشار «استحاله» قرار گرفته و اسرائیلی که نگران از دست دادن برتری خود است، این مثلثی است که خود را برهم می‌زند. نتیجه این مثلثی است که اضلاع آن هر لحظه ممکن است از هم گسسته شود.

برگ سبز وسند کارخانه داسترسیستم‌رنوتیپ‌داستر

اتوماتیک مدل ۲۰۱۷ به رنگ سفید-روغنی به شماره

پلاک انتظامی ۱۱۷ ص ۴۱ ایران ۷۵ شماره موتور

4RE410C071073 و شماره شاسی

VF1HSRGJ2HA553530 به نام محمد عزت

آبادی‌پور مفقود گردیده‌اند و از درجه اعتبار ساقط می‌باشند.

برگ سبز و برگ کمبانی دوو سیلو سفید مدل ۱۳۷۸ به

شماره پلاک ۹۶۴۹۴۹ ایران ۳۰

شماره شاسی ۷۹۸۹۰۷۹۸۱۶۵۰ IRV

و شماره موتور ۷۳۴۴۰۱

به نام زهرا کری با کدملی ۴۹۰۰۴۷۱۳۰۵ در

۱۴۰۴/۰۷/۰۱مفقود شده و فاقد اعتبار است.

مفقودی مدرک تحصیلی

مدرک فارغ التحصیلی اینجناب **فائزه کوشاری** فرزند ناصر به شماره شناسنامه ۳۸۹۹ صادره از الگودرز در مقطع کاردانی رشته طراحی دوخت و تکنولوژی صادره از واحد دانشگاهی آزاد اسلامی پیشوا ورامین با شماره ۷۱۷۷۰۷مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد پیشوا به نقش جهان بلوار صنعت دانشگاه پیشوا نشانی ارسال نماید.

گزارش

تصویب لایحه اسناد ایستین در سنای آمریکا

سنای آمریکا لایحه‌ای را تصویب کرد که وزارت دادگستری را موظف می‌کند اسناد بیشتری درباره جغری اپستین، مجرم جنسی درگذشته، منتشر کند. این لایحه برای امضای دونالد ترامپ ارسال می‌شود؛ زیرا مجلس نمایندگان نیز ساعاتی پیش‌تر آن را با یک رای مخالف و ۴۲۷ رای موافق تصویب کرده بود. «قانون شفافیت پرونده اپستین» وزارت دادگستری را موظف می‌کند «تمام اسناد، مدارک، مکاتبات و مواد تحقیقاتی غیرطبقه‌بندی‌شده» مرتبط با اپستین را در قالبی قابل جست‌وجو و قابل دانلود، حداکثر ظرف ۳۰ روز پس از لازم‌الاجراشدن قانون منتشر کند.

باین‌حال، وزارت دادگستری اجازه خواهد داشت اسنادی را که هویت قربانیان را افشا می‌کند، شامل محتوایی که سواستفاده جنسی از کودکان است، تحقیقات یا پرونده‌های جاری فدرال را به خطر می‌اندازد یا تصاویر مربوط به مرگ، آزار فیزیکی یا جراثت افسرد را نشان می‌دهد، منتشر نکند. علاوه بر این، این لایحه دادستان کل را موظف می‌کند ظرف ۱۵ روز پس از انتشار اسناد، گزارشی به کمیته‌های قضانی مجلس نمایندگان و سنا ارائه دهد که شامل فهرست تمام دسته‌های اسناد منتشرشده و منتشرشده، خلاصه‌ای از سانسورها و مبنای قانونی آنها و نیز فهرست همه مقام‌های دولتی و افراد دارای موقعیت سیاسی اشاره‌شده در اسناد منتشرشده باشد. ترامپ پیش از رای‌گیری از جمهوری‌خواهان خواست از این لایحه حمایت کنند. او در پستی در تروث‌سوشال نوشت: «جمهوری‌خواهان مجلس باید به انتشار پرونده‌های اپستین رای بدهند؛ چون چیزی برای پنهان‌کردن نداریم و وقت آن رسیده‌که از این حقه دموکرات‌ها که توسط دیوانه‌های چپ رادیکال اجرا شده‌تا موفقیت بزرگ حزب جمهوری‌خواه -ازجمله پیروزی اخیر ما بر «تعطیلی» دموکرات‌ها- را منحرف کنند، عبور کنیم.» ترامپ گفته است اگر لایحه به میز او برسد، آن را امضا خواهد کرد. او گفت: «ما هیچ ارتباطی با اپستین نداریم، دموکرات‌ها دارند. تمام دوستان او دموکرات بودند.» مایک جانسون، رئیس مجلس نمایندگان، در یک نشست خبری پیش از رای‌گیری مجلس گفت از لایحه حمایت می‌کند، اما هشدار داد که این لایحه ممکن است نتواند به طور کافی از قربانیان و دیگر افراد بی‌گناه حفاظت کند. او گفت: «من رای می‌دهم که این یک‌صدا باشد؛ چون همه اینجا، همه جمهوری‌خواهان، می‌خواهند در کارنامه خود بیشترین شفافیت را ثبت کنند، اما آنها همچنین می‌خواهند بدانند که ما خواستار اصلاح این مسائل هستیم.» جیم مک‌کارون، نماینده دموکرات ماساچوست، گفت این لایحه ضروری است. او اظهار کرد: «در نهایت، موضوع اینجا ما نیستیم و موضوع سیاست هم نیست؛ این درباره نجات‌یافتگان است؛ دختران جوانی که توسط مردان قدرتمند مورد سوااستفاده قرار گرفتند. مردانی که با پول و قدرت، از دخترانی سوااستفاده کردند که برخی از آنها فقط ۱۱ سال داشته‌».